

سابق اعطا کرده است. البته پیش از این منطقه ونتو دوبار در کسب موافقت دادگاه قانون اساسی ایتالیا برای برگزاری همه پرسی استقلال شکست خورده بود. علاوه بر تمام این مسائل، اخیراً یک منطقه دیگر ایتالیا به نام "امیلدیا رومانیو" مذاکرات بر سر خودمختاری بیشتر را بدون برگزاری همه پرسی با رم آغاز کرده است.

البته نمی توان این حقیقت را نادیده گرفت که با حضور و مشارکت ۴۰ درصدی مردم لمباردی و ۵۷ درصدی ونتو مبارزه "ماتتو سالوینی"، رهبر حزب راست افراطی "اتحادیه شمال" یا همان لیگ شمال، "روبرتو مارونی"، رئیس منطقه لمباردی و "لوگازیا"، رئیس منطقه ونتو که بر گزار کنندگان این همه پرسی بودند و همراهی مردم شمال ایتالیا و بدنه سیاسی این کشور، موفقیت‌هایی را برایشان به همراه داشته است؛ خصوصاً که حزب راست میانه "به پیش ایتالیا" به ریاست سیلیویو برلوسکونی، جنبش "پنج ستاره" و چندین اتحادیه کارگری از برگزاری همه پرسی و نتیجه مثبت آن حمایت کرده اند و در مقابل نیز حزب دموکرات، گروه حاکم در ایتالیا، موضعی نسبت به رفراندوم اتخاذ نکرده است. و می توان با قاطعیت گفت که این عوامل سبب پررنگ تر شدن این موفقیت‌ها در آینده خواهد شد. علاوه اینکه بروز مشکلات اقتصادی که از ۲۰۰۸ دامن اروپا را گرفته و تا کنون هم از آن خلاصی نیافته و مهمتر از همه مسئله رشد موج مهاجرت به اروپا و به موازاتش گسترش تروریسم در قاره سبز این جریان را در ایتالیا شدت خواهد بخشید.

### رنگ متفاوت ایتالیا

علیرغم نکات یاد شده و بر خلاف صف آرای خبیانی موافقان و مخالفان استقلال در کاتالونیا و بحرانی که دولت این منطقه و دولت مرکزی در دو سوی آن قرار دارند، در شمال ایتالیا، چه زمان قبل از برگزاری همه پرسی و چه بعد از آن، آرامش برقرار است و این نقطه تفاوت ایتالیا است.

در سایه همین نکته همه پرسی در این منطقه به هیچ عنوان قابل مقایسه با همه پرسی در کاتالونیا نیست، چرا که انگیزه های جدایی طلبانه در این میان نقشی بازی نمی کنند و هر آنچه که سبب تقسیم شمال و جنوب ایتالیا است، به دلیل تفاوت سبک زندگی و شرایط متفاوت شمال و جنوب است. ما اگر شمال ایتالیا را به صورتی مستقل در نظر بگیریم در می یابیم که چشم انداز این منطقه قابل توجه است، از

### تفاوت در درآمد سالانه سبب ایجاد این نگرش در مردم شمال شده است که نباید مالیات حاصل از درآمد شمال ایتالیا در جنوب این کشور صرف شود، بلکه مالیات دسترنج ما باید برای افزایش رفاه در همان مناطق هزینه شود

همین رو است که دلایل اقتصادی زیادی برای جدا شدن در این مناطق وجود دارند. سید مصرفی در شمال و جنوب کاملاً از هم متمایز است. ضمن اینکه منطقه شمال از نظر صنعت بسیار توسعه یافته تر است و اگر شمال ایتالیا نماد صنعت، تجارت و علم است، جنوب نماد سیاست، تبانی و لابی است. تمام مسائل مربوط به مافیای مربوط به جنوب و شهر سیسیل است. در جنوب بیکاری بالاست و به همین دلیل افرادی حول سیاست مداران جمع می شوند تا در دستگاه‌های دولتی کار بیابند و مشکل معیشت شان حل شود. بدیهی است که در چنین وضعی شبکه های غیر قانونی نظیر مافیای مجال بروز می یابند. اما بالاخره گره سیاست ایتالیا در رم قرار دارد و از آنجا برای کل ایتالیا از جمله شمال تعیین تکلیف می شود. در واکنش به این وضع، حزب "لگانورد" (لیگ شمال) با تلاش‌های "ماتتو سالوینی" در کنار سایر احزاب راست رادیکال در شمال اکثریت یافته و خواستار جدایی شمال از جنوب و تشکیل دو کشور یا دو منطقه خودمختار شده اند.

بر اساس آمار اتحادیه اروپا، سرانه در آمد در ونتو سالانه ۳۰ هزار و ۸۰۰ یورو و در لمباردی ۳۵ هزار و ۷۰۰ یورو است. در ایتالیا فقط "بولتانو"، مرکز منطقه خودمختار "تیرول جنوبی"، از این نظر از ونتو و لمباردی بالاتر است و برای مقایسه بهتر، سرانه در آمد در کالابریا (جنوبی ترین استان ایتالیا) ۱۶ هزار و ۶۰۰ یورو در سال است. این تفاوت در درآمد سالانه سبب ایجاد این نگرش در مردم شمال شده است که نباید مالیات حاصل از درآمد شمال ایتالیا در جنوب این کشور صرف شود، بلکه مالیات دسترنج مردم باید برای افزایش رفاه در همان مناطق هزینه شود. لذا

سیاستی که امروزه مردم شمال ایتالیا دنبال می کنند این است که مالیات شمال در شمال ایتالیا صرف شود و به رم نرود. یکی دیگر از سیاست‌های این حزب، تحت فشار قرار دادن مهاجرین برای ترک ایتالیا است و دشواری گرفتن کارت اقامت تا حدودی مربوط به این مسئله می شود. به همین خاطر، "لیگ شمال" بر ضرورت مبارزه قاطعانه با سیسیل و بویژه رم برای کسب آزادی و خودمختاری تاکید می کند و وعده ایجاد فضای کاری جدید، محدود کردن مهاجرت، احیای ارزشهای واقعی برای هر شهروند ایتالیا و خانواده و کلیسا را می دهد. هر چند که در میان بحبوحه بالا گرفتن تب جدایی طلبی، اتحادیه اروپا سعی دارد استقلال و تفکیک منطقه‌ای را در کل اروپا حل و فصل کند. به همین دلیل است که باید گفت آینده تحولات نشان خواهد داد که توان و برنامه اتحادیه اروپا تا چه اندازه موفق خواهد بود، اما آن چیزی که در حال حاضر وجود دارد این است که فعلاً حال و هوایی جدایی طلب در ایتالیا مانند سایر نقاط اروپا از اسپانیا تا ایرلند و اسکاتلند کاملاً جدی است. چون علاوه بر "لیگ شمالی"، "جنبش استقلال سیسیلی"، "جبهه مستقل لومباردیا" و بسیاری جنبشهای مشابه نیز فعال شده اند و تمامی این جنبشها بر مشکلات موجود اضافه می کنند. بنابراین، این دو همه پرسی از آن جهت هم می تواند مهم باشد که وضعیت کلی تمایلات سیاسی در ایتالیا در آستانه انتخابات سراسری سال آینده میلادی را بسنجد. زیرا این احتمال کاملاً وجود دارد که بعد از چند دهه، نقشه سیاسی ایتالیا دگرگون شود و برنامه و استراتژی اروپا که از جدایی غیر قانونی کوزوو از صربستان حمایت کرده بود، کاملاً تغییر کند.

در نهایت باید گفت، دلایل بروز جدایی طلبی در اتحادیه اروپا کم نیستند و انتقادات رو به گسترش از ساختارهای بروکراتیک بروکسل که روز به روز در حال رشد است یکی از این عوامل است که نمی تواند این مشکل را حل و فصل کند. علاوه بر این، ضعف و ناتوانی به خاطر سیاستهای اشتباه سران اتحادیه اروپا و مضافاً عدم وجود نهاد یا شخصیت مستقلی در مقامات مرکزی قاره سبز است، چرا که به ندرت شخصیت قوی در میانشان مشاهده می شود و همین نکته بر مشکلات می افزاید. در دیگر سو هم تمایل برخی جوامع و اقوام به تجربه زندگی مستقل با حفظ سنتهای خود نیز مزید بر علت است. از همین رو هم تنها چیزی که اکنون اتحادیه اروپا دارد، امید در جعبه پاندورایی است که خودش در آن را باز کرده است.

